

سلامی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی

روابط سیاسی ایران و بلژیک در دوره قاجار

(براساس اسناد وزارت امور خارجه)

استاد راهنما

دکتر صفورا برومند

استاد مشاور

دکتر نیره دلیر

پژوهشگر

عباس رضاپور

شهریور ۱۳۹۴



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۵


پایان نامه تحصیلی آقای عباس رضاپور دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد


رشته تاریخ ایران اسلامی


تحت عنوان :

روابط سیاسی ایران و بلژیک در دوره قاجار بر اساس اسناد وزارت امور خارجه ایران

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، خانم دکتر صفورا برومند با مرتبه علمی استادیار
امضا 

۲. استاد مشاور پایان نامه، خانم دکتر نیره دلیر با مرتبه علمی استادیار
امضا 

۳. استاد داور پایان نامه، آقای دکتر علیرضا ملایی توانی با مرتبه علمی دانشیار
امضا 

امضای رئیس پژوهشگاه



امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاسگزاری

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ بدون شک جایگاه و منزلت اساتید، والاتر از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه آنان، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تجلیل این بزرگواران، سپاس از انسانهایی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می کنند و سلامت امانت هایی را که به دستشان سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب ” من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ: ” بر خود لازم می دانم تا قدردان زحمات این عزیزان ارجمند باشم .

از استاد فرزانه و دلسوز؛ سرکار خانم دکتر صفورا برومند که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛

از استاد متین و شایسته ، سرکار خانم دکتر نیره دلیر ، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛

و از استاد توانمند و فرزانه ؛ جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی مدیر محترم گروه آموزشی تاریخ که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند؛

کمال تشکر و قدردانی را دارم

همچنین از زحمات بی شائبه و صبر و شکیبایی همسر مهربان و بزرگوام و فرزندان عزیزم که همراه و یاوران همیشگی ام بوده اند ، صمیمانه سپاسگزارم .

تقدیم به تمام بزرگ مردان و شیرزنان سرزمین مادریم که تار و پود تاریخ کشور همیشه سرفرازم ،
منت دار وجود نازنین آنان است .

چکیده

بسیاری از کتب روابط خارجی و بین‌المللی، تاریخ اولین تماس‌های دیپلماتیک بین ایران و بلژیک را سال ۱۸۴۱ میلادی ذکر کرده‌اند. و اوج روابط بین دو کشور را نیز از زمان ورود مستشاران بلژیکی برای اداره گمرکات، پست و مالیه ایران بر می‌شمرند، زیرا اگر جریان مدیریت گمرکات توسط بلژیکی‌ها برای ضمانت قرضه‌های ایران پیش نمی‌آمد، شاید هیچ تحول عمده‌ای در روابط بین ایران و این کشور اروپائی شکل نمی‌گرفت. این پژوهش در نظر دارد، جزئیات آغاز برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی بین دو کشور و برخی مسائلی که کمتر مورد توجه بوده، بر اساس اسناد آرشیو وزارت امور خارجه و چند منبع دست اول دیگر مورد بررسی قرار دهد.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
	فصل اول : کلیات پژوهش
۳-۱	بیان مسئله
۴-۱	سئوال‌های پژوهش
۴-۱	فرضیه‌های پژوهش
۴-۱	اهمیت ، ضرورت و کاربرد پژوهش
۵-۱	روش پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات
۶-۱	تعریف مفاهیم
۶-۱	پیشینه پژوهش
۷-۱	معرفی منابع و مآخذ
	فصل دوم : جایگاه ایران و بلژیک در نظام بین‌الملل در سده ۱۳ ق / ۱۹ م.
۹-۲	۱-۲ - نگاهی به نظام بین‌الملل در اروپا و استقلال بلژیک در قرن نوزدهم
۱۱-۲	۲-۲ - ایران در عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ
۱۴-۲	۳-۲ - مروری بر تاریخ بلژیک
۱۶-۲	۴-۲ - لئوپولد آلمانی اولین پادشاه بلژیک
۱۶-۲	۵-۲ - مختصری از وضعیت اقتصادی و صنعتی بلژیک
۱۷-۲	۶-۲ - خانواده کوکریل
۱۸-۲	۷-۲ - نقش قوانین در تقویت صنعت و تجارت بلژیک
۱۸-۲	۱-۷-۲ - تصویب قوانین نظامی
۱۹-۲	۲-۷-۲ - قوانین حمل و نقل ، راه و تجارت
۱۹-۲	۳-۷-۲ - قوانین تجاری و مالی
۲۰-۲	۴-۷-۲ - روابط ایران و بلژیک پیش از استقلال در سال ۱۸۳۱ میلادی
	فصل سوم : آغاز روابط دیپلماتیک بین ایران و بلژیک
۲۴-۳	۱-۳ - ایران از نگاه بلژیکی‌ها
۲۴-۳	۲-۳ - تلاش فرخ خان امین‌الملک برای گسرش روابط خارجیان با سایر دولت‌ها
۲۸-۳	۳-۳ - میانجی‌گری بلژیک بین ایران و انگلیس در قضیه هرات
۳۱-۳	۴-۳ - ایلچی کبیر ایران در بلژیک
۳۲-۳	۱-۴-۳ - سفر به بندر آنورس
۳۳-۳	۵-۳ - بازدید از شهر صنعتی لیژ
۳۵-۳	۶-۳ - بلژیک از نگاه هیئت ایرانی
۳۶-۳	۷-۳ - اولین هیئت دیپلماتیک بلژیک در ایران
۳۷-۳	۱-۷-۳ - نمایندگان ایران در بلژیک
۳۹-۳	۲-۷-۳ - اعضای کنسولگری‌های ایران در بلژیک در سال ۱۸۷۳ م.

۳۹	۳-۸- تأسیس سفارت ایران در بروکسل
۴۰	۳-۹- تأسیس سفارت بلژیک در تهران
۴۰	۳-۱۰- روابط دو کشور پیش از ورود مستشاران بلژیکی
۴۱	۳-۱۱- سفر پادشاهان قاجار به بلژیک
۴۲	سفرنامه ناصرالدین شاه
۴۴	سفرنامه مظفرالدین شاه
۴۶	۳-۱۲- تجارت و حمل و نقل دریایی بین بنادر ایران و بلژیک فصل چهارم : عصر امتیازات و رقابت روس و انگلیس در ایران
۴۸	۴-۱- مروری بر گمرک و تجارت ایران در عهد قاجار
۵۲	۴-۲- مسیو نوز بلژیکی
۵۸	۴-۳- نگاهی به ۱۲ سال سفارت سعدادوله در بلژیک
۵۹	۴-۴- مخالفت سعدالدوله با بلژیکی‌ها
۶۳	۴-۵- مستشاران بلژیکی در وزارت خارجه
۶۳	۴-۵-۱- مسیو دوت مفتش کل تذکره قفقازیه
۶۴	۴-۶- بلژیکی‌ها در سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های ایران
۶۵	۴-۷- تأثیرپذیری مشروطه خواهان از نظام سیاسی بلژیک در تدوین متمم قانون اساسی
۶۸	فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری
۷۰	پیوست
۱۰۴	کتابنامه

فهرست تصاویر :

- شماره ۱ - مکاتبه جعفر خان مشیرالدوله با تهران درباره تقاضای بلژیک برای انعقاد عهدنامه مودت و تجارت با ایران..... ۷۰
- شماره ۲ : اولین عهدنامه مودت و تجارت بین ایران و بلژیک در سال ۱۸۴۱ میلادی..... ۷۱
- شماره ۳ : تشریفات روز ملاقات شارژدافر با وزیر خارجه ایران در عمارت نظامیه..... ۷۲
- شماره ۴ : تشریفات شارژدافر بلژیک در روز ورود به دارالخلافه..... ۷۳
- شماره ۵ : تمهیدنامه امضا شده توسط شارژدافر بلژیک درخصوص معامله ۵۰۰۰ تفنگ شش خانداری با ایران..... ۷۴
- شماره ۶ : کتاب طلائی فرامین لئوپلد و صلیب آهنی تقدیمی به ناصرالدین شاه از سوی پادشاه بلژیک..... ۷۵
- شماره ۷ : صفحه اول کتاب طلائی فرامین لئوپلد و صلیب آهنی تقدیمی به ناصرالدین شاه از سوی پادشاه بلژیک..... ۷۶
- شماره ۸ : صفحه ای از کتاب طلائی فرامین لئوپلد و صلیب آهنی که در مورد ایران نوشته شده (۱)..... ۷۷
- شماره ۹ : صفحه ای از کتاب طلائی فرامین لئوپلد و صلیب آهنی که در مورد ایران نوشته شده (۲)..... ۷۸
- شماره ۱۰ : تصویر ناصرالدین شاه قاجار در کتاب طلائی فرامین لئوپلد و صلیب آهنی..... ۷۹
- شماره ۱۱ : صفحاتی از کتاب تاریخ روابط تاریخی و دیپلماتیک هلند و بلژیک با ایران از قرن ۱۴ تا امروز چاپ سال ۱۸۷۳ میلادی به زبان فرانسه (۱)..... ۸۰
- شماره ۱۲ : صفحاتی از کتاب تاریخ روابط تاریخی و دیپلماتیک هلند و بلژیک با ایران از قرن ۱۴ تا امروز چاپ سال ۱۸۷۳ میلادی به زبان فرانسه (۲)..... ۸۱
- شماره ۱۳ : قرارداد استخدام مسیو نوز، تونیس و پریم برای خدمت در گمرکات ایران (۱۳۲۸ق) (۱)..... ۸۲
- شماره ۱۴ : قرارداد استخدام مسیو نوز، تونیس و پریم برای خدمت در گمرکات ایران (۱۳۲۸ق) (۲)..... ۸۳
- شماره ۱۵ : قرارداد استخدام مسیو نوز، تونیس و پریم برای خدمت در گمرکات ایران (۱۳۲۸ق) (۳)..... ۸۴
- شماره ۱۶ : دومین عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک در سال ۱۸۵۷ میلادی به امضای فرخ خان امین الملک و ویکنت ویلن چهاردهم (۱)..... ۸۵

- شماره ۱۷ : دومین عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک در سال ۱۸۵۷ میلادی به امضای فرخ خان امین الملک و ویکنت ویلن چهاردهم (۲)..... ۸۶
- شماره ۱۸ : دومین عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک در سال ۱۸۵۷ میلادی به امضای فرخ خان امین الملک و ویکنت ویلن چهاردهم (۳)..... ۸۷
- شماره ۱۹ : دومین عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک در سال ۱۸۵۷ میلادی به امضای فرخ خان امین الملک و ویکنت ویلن چهاردهم (۴)..... ۸۸
- شماره ۲۰ : صفحه اول یادداشت تفاهم منعقدہ بین بلژیک و باب عالی در ژوئن ۱۸۳۸م..... ۸۹
- شماره ۲۱ : اعطای نشان به اتباع بلژیکی (۱۳۲۱ق) (۱) ۹۰
- شماره ۲۲ : اعطای نشان به اتباع بلژیکی (۱۳۲۱ ق) (۲) ۹۱
- شماره ۲۳ : رضایت نامه کنسول ایران در بلژیک از ویس کنسول در بروکسل (۸ ژوئن ۱۹۰۷ ق)..... ۹۲
- شماره ۲۴ : یادداشت وزارت خارجه به سفارت بلژیک درباره فسخ قرارداد مسیو نوز بلژیکی (۱۳۲۵ق) ۹۳
- شماره ۲۵ : اعطای نشان شیرو خورشید به برخی از مستشاران بلژیکی (۱۳۲۵ق)..... ۹۴
- شماره ۲۶ : نامه مشیرالدوله به سفارت ایران در بلژیک مبنی بر استرداد نشان اهدائی لئوپولد به دولت آن کشور (۱۳۲۵ق)..... ۹۵
- شماره ۲۷ : تقاضای اهدای نشان به اعضای سفارت بلژیک در واشنگتن که سفارت ایران را اداره می کردند. (۱۳۲۹ق) ۹۶
- شماره ۲۸ : صفحه ای از کتاب خطی مکاتیب فرخ خان (۱) ۹۷
- شماره ۲۹ : صفحه ای از کتاب خطی مکاتیب فرخ خان (۲) ۹۸
- شماره ۳۰ : صفحاتی از مخزن الوقایع امین الدوله (۱) ۹۹
- شماره ۳۱ : صفحاتی از مخزن الوقایع امین الدوله (۲) ۱۰۰
- شماره ۳۲ : نامه لئوپلد دوم مبنی بر ابراز تسلیت از فوت ناصرالدین شاه و جلوس مظفردالدین شاه..... ۱۰۱
- شماره ۳۳ : نامه لئوپلد مبنی بر انتصاب بارون ماکسی میلیان درپ به عنوان وزیر مختار بلژیک در ایران..... ۱۰۲
- شماره ۳۴ : پذیرش سعدالدوله از سوی لئوپلد به عنوان وزیر مختار ایران در بلژیک..... ۱۰۳

پیشگفتار

بلژیک کشوری است که از استقلال آن بیش از ۱۷۰ سال می‌گذرد. قلمرو بلژیک فعلی از قرن ۱۸ میلادی به بعد، تحت نفوذ و جزئی از قلمرو کشورهای اتریش (۱۷۱۶-۱۷۹۲)، فرانسه (۱۷۹۴-۱۸۱۴) و هلند (۱۸۱۴-۱۸۳۰) بوده است.

در سال ۱۸۳۱م بلژیکی‌ها پس از کش و قوس فراوان به استقلال دست یافتند و لئوپولد اول به عنوان اولین امپراتور این کشور، به سلطنت رسید.

مدارک و اسناد بررسی شده، نشان می‌دهند که تاریخ اولین تماس‌های دیپلماتیک بین ایران و بلژیک، سال ۱۸۳۸ میلادی بوده است، یعنی دقیقاً همان تاریخی که بلژیک با توصیه مقامات انگلیسی اقدام به ایجاد روابط دیپلماتیک و تاسیس سفارت در دربار عثمانی نمود.

اولین عهدنامه تجارت و مودت بین دو ایران و بلژیک در سال ۱۸۴۱ میلادی در قسطنطنیه به امضای جعفرخان مشیرالدوله وزیر مختار ایران در عثمانی و همتای بلژیکی اش بارون فرانسوا ژان دزیره بهر رسید. این عهدنامه در تاریخ ۱۸۵۷ میلادی در جریان سفر فرخ خان امین‌الملک، ایلچی کبیر ایران که برای حل منازعه بین ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات به اروپا سفر کرده بود، تجدید شد. در جریان این سفر بلژیکی‌ها تلاش نمودند تا بین ایران و انگلیس وساطت نمایند ولی با امضای عهدنامه پاریس، تلاش آنها بی نتیجه ماند.

با امضای دومین عهدنامه بین دو کشور در سال ۱۸۵۷م هیات‌هایی از دو کشور به پایتخت‌های یکدیگر اعزام شدند. از سوی دیگر در روند اعطای امتیازات به کشورهای مختلف، همچنین ورود برخی صنایع و کارخانجات به ایران و لزوم افزایش تماسها بین دو کشور، سفارت ایران در بروکسل و به فاصله کمی سفارت بلژیک در تهران تاسیس شد.

بررسی روابط سیاسی بین ایران و بلژیک در دو دهه آخر قرن نوزدهم نشان از پیشرفتی داشت که به واسطه سفرهای پادشاهان و برخی از مقامات ایرانی از آن کشور، پدید آمد احداث چند شرکت و کارخانه به ویژه راه آهن تهران به حضرت عبدالعظیم بلژیکی‌ها را که سابقه استعماری در آسیا نداشتند، نزد مردم و دولتمردان ایران افرادی فعال و علاقه مند به گسترش روابط با ایران معرفی نمود. نامه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف بین پادشاهان دو کشور رد و بدل شده، حاکی از اهمیتی بود که تهران و بروکسل برای گسترش روابط با یکدیگر می‌دادند. افزایش تبادلات بین دو کشور، لزوم تاسیس سفارتخانه‌های دو طرف در پایتخت‌های یکدیگر را ایجاب نمود. لذا در سال ۱۸۹۰م دو طرف سفارت خانه‌های خود را تاسیس نمودند.

موضوع خالی بودن خزانه ایران و قرضه‌هایی که شاهان قاجار برای سفرهای اروپائی بر پیکره اقتصاد مریض ایران تحمیل نمودند، باعث شد تا روس و انگلیس، درآمد گمرکات را وجه الضمان این قروض قرار دهند و با استخدام متخصصین خارجی از کشورهای اروپائی مانند بلژیک، موافقت کنند. اگر این شرایط و توافق نانوشته بین انگلستان و روسیه در امور ایران پیش نمی‌آمد. می‌توان گفت که روابط ایران و بلژیک به صورت بسیار عادی و کجدار و مریز به راه خود ادامه داده و تحول خاصی در این روابط شکل نمی‌گرفت و از این روست که نقطه عطف روابط بین دو کشور را استخدام مستشاران بلژیکی عنوان می‌کنند. فعالیتهای سفارت ایران در بروکسل و شخص سعدالدوله وزیر مختار ایران در انتخاب و انعقاد قراردادهای این کارشناسان قابل توجه بود.

اداره گمرکات و انتظام امور آن باعث افزایش چهل درصدی عایدات گمرکی و افزایش اعتبار و جایگاه بلژیکی ها در نزد مقامات ایران شد. و نوز به عنوان وزیر گمرکات منصوب شده و مورد تشویق شاه قرار گرفت. ولی با اجرای تعرفه های جدید گمرک، اعتراضات تجار و علما از بلژیکی ها افزایش یافت که این موضوع در جریانات مشروطه به اوج رسیده و عزل نوز و پریم، به یکی از خواسته های اصلی مشروطه خواهان تبدیل شد.

اشتباهاتی سیاسی نوز و پریم و تمایلی که به روسها نشان دادند، بیش از همه چیز به مامورین بلژیکی صدمه زد. و بعضی عیوب کار از قبیل تحویل ندادن محاسبات نوز و عدم موفقیت صندوق، به شهرت بلژیکی ها لطمه بسیار وارد کرد. با عزل نوز، هموطنش مرنارد جانشین او شد و بلژیکی ها علیرغم تغییر شرائط از جمله کشته شدن صدراعظم و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی بین روسیه و انگلیس به کار خود تا آغاز جنگ اول جهانی ادامه دادند.

بلژیکی ها علاوه بر امور پست و گمرکی، در برخی از وزارت خانه ها و ادارات نیز به فعالیت پرداختند. وزارت امور خارجه در بخش محاسبات تذکره از خدمات مسیو دوت استفاده نموده و یک مشاور حقوقی بلژیکی نیز در بخش حقوقی فعالیت می کرد. نوع و سطح مشاوره های حقوقی مسیو هنیبک که در مدرسه علوم سیاسی نیز تدریس می نمود، مشخص نیست ولی مسیو دوت، امور تذکره قفقاز را رسیدگی می کرد که پست مهمی محسوب می شد. اسناد نشان می دهند، نارضایتی های فراوانی که ناشی از عدم تعیین دقیق حوزه های فعالیت بین کنسولهای منطقه قفقاز و مسیو دوت بوده است، وجود داشته و طرفین سعی می کردند یکدیگر را به فساد مالی و دخالت در فعالیتهای یکدیگر، متهم کنند. این شرائط نشان می دهد که حضور بلژیکی ها در مدیریت ادارات مختلف در داخل وزارت امور خارجه چندان ملموس نبوده و آنها نتوانسته اند تاثیر قابل توجهی در ارتقا و عملکرد این وزارتخانه داشته باشند. در بخش خارج از ایران، قضیه متفاوت بود، بسیاری از اتباع بلژیک در کشورهای مختلف به عنوان کنسول و مشاور و حافظ منافع ایران از بالکان و مصر گرفته تا اروپا و در مواردی در ینگ (آمریکا) فعالیت داشتند و این فعالیت به خصوص در منطقه بالکان بسیار ملموس و قابل توجه بود. حتی امور مربوط به سفارت ایران در واشنگتن در مقاطعی به عهده بلژیکی ها بود که به نوعی پاسخی است به یکی از پرسشهای این پژوهش.

در موضوع الگوپذیری قانون اساسی ایران و متمم آن از قانون اساسی سال ۱۸۳۱ بلژیک، ذکر این نکته ضروری است که نخبگان مشروطه خواه در ایران به نوع حکومت بلژیک که مشروطه سلطنتی بود، تمایل داشتند تا بدین وسیله از قدرت مطلق و خودکامگی پادشاه بکاهند و بر قدرت سایر قوا مانند مقننه و مجریه بیفزایند همچنین از قوانین مترقی آن در زمینه حقوق فردی و اجتماعی افراد بهره مند شوند. به بیان دیگر، آشنائی نخبگان و رجل سیاسی با بلژیک و قوانین آن و تشابه شرائط حکومتی بلژیک با آنچه که مورد نظر نخبگان مشروطه خواه بود، باعث شد در بسیاری از مواد قانون اساسی و به ویژه متمم آن، از قانون اساسی بلژیک الگوبرداری شود.

به طور کلی می توان گفت که هدف از تحقیق حاضر، بررسی نحوه آغاز روابط دیپلماتیک بین دو کشور و روند آن تا پایان عصر قاجار بوده و مسلم است که بررسی سایر ابعاد در این بین، مستلزم پژوهشهای دیگری است که از حوصله این صفحات خارج است. تاکید نگارنده، بیشتر استفاده از اسناد آرشیو موجود در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی بوده و امید می رود تا این پژوهش توانسته باشد، بخشهایی از ناگفته ها و زوایای مغفول روابط دو جانبه را مطرح کرده و باعث شود تا سایر پژوهشگران علاقمند به موضوعات روابط تاریخی و سیاسی، بخشهای دیگری از روابط بین دو کشور را موضوع تحقیق و پژوهش های آتی خود قرار دهند.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسئله

اکثر علاقمندان به تاریخ تحولات ایران در دوره قاجار، بلژیکی‌ها را با حضور مسیو نوز و همراهانش در عرصه‌های مالی و اقتصادی و گمرکات و جریان‌های مشروطه می‌شناسند، ولی بسیاری از جزئیات روابط سیاسی بین دو کشور هنوز به طور کامل و واضح مشخص نیست. بخشی از این ابهام به علت دشواری دسترسی به اسناد روابط سیاسی ایران و بلژیک و دیگر کشورهای حوزه‌ی اروپا در وزارت امور خارجه ایران است. از اینرو، انجام پژوهش مستقل در حوزه روابط سیاسی با بلژیک که مقرر اتحادیه اروپا بوده و از جایگاه ویژه‌ای در عرصه تحولات و روابط بین‌الملل برخوردار است، مبحثی شایان توجه و ضروری در ساختار تاریخ روابط خارجی ایران به شمار می‌رود. این احساس نیاز، نگارنده را بر آن داشت تا به واسطه‌ی دسترسی به این اسناد در آرشیو وزارت امور خارجه تسلط به زبان فرانسه، با راهنمایی اساتید محترم، موضوع روابط سیاسی ایران با بلژیک را به عنوان پروپوزال خود ارائه دهم.

روابط سیاسی ایران و بلژیک مانند رابطه ایران با سایر کشورها در قرن نوزدهم دارای فراز و نشیب‌هایی است که بخش عمده آن متأثر از تسلط دو قدرت بزرگ وقت یعنی روسیه و انگلستان بوده است. برای زمامداران عصر قاجار استفاده از نیروی سوم برای ایجاد تعادل روابط با این دو ابر قدرت عصر، همواره دغدغه بزرگی بوده است و حضور کشورهای مدرن، کوچک و بی‌طرفی که در آسیا سابقه حضور استعماری نداشته‌اند، می‌توانسته تا حدودی این تعادل را برقرار سازد. بلژیک در دوره قاجار از این ویژگی‌ها برخوردار بود و این امر شروع مناسبات ایران و بلژیک را در دوران مورد بحث به دنبال داشت. آگاهی به جزئیات این روابط در دوره قاجار و توضیح وقایع که در حوزه تاریخ سیاسی قرار می‌گیرد، می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های آتی در روابط بین تهران و بروکسل به طور خاص و ایران و اروپا به طور عام مورد استفاده قرار گیرد.

بر این اساس سوالی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود بر این اساس است که:

با توجه به تسلط قدرت‌های بزرگ قرن نوزدهم (روسیه و انگلستان) در تحولات ایران، سیر روند روابط سیاسی بین ایران و بلژیک چگونه بوده است؟

۲-۱- سوال‌های پژوهش

- ۱- سیر تحولات در روابط سیاسی دو کشور در دوره قاجار چگونه بوده است؟
- ۲- کنشگران و بازیگران سیاسی در ایران چه تاثیری بر روند مناسبات دو کشور داشته اند؟
- ۳- نقش مستخدمین بلژیکی در ساختار و عملکرد وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های ایران چه بوده است؟
- ۴- نظام سیاسی و پارلمانی بلژیک چه تاثیری برانقلاب مشروطه ایران داشت؟

۳-۱- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- پژوهشگر به دنبال اثبات این فرض است که روابط سیاسی بین دو کشور، تابعی از روابط اقتصادی بوده و با افزایش همکاری‌های اقتصادی، روابط سیاسی و دیپلماتیک نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است.
- ۲- نگارنده بر این باور است که در ایجاد و شدت و ضعف روابط سیاسی بین دو کشور، علاوه بر متغیرهای اصلی مانند فضای موجود در روابط بین‌الملل و نقش کشورهای قدرتمند، متغیرهای وابسته‌ای از جمله نفوذ برخی از دولتمردان ایرانی خصوصاً میرزا جواد سعدالدوله (وزیر مختار ایران در بلژیک) نقش داشته اند. وی از عاملان اصلی استخدام ماموران بلژیکی برای دستگاه‌های دولتی و حذف مسیو نوز بوده است.
- ۳- مستخدمین بلژیکی دولت ایران در ساختار و عملکرد بخش‌های مختلف دستگاه دیپلماسی ایران به ویژه در بخش‌های مرتبط با گمرک مانند تذکره، امور کنسولی و تشریفات دیپلماتیک و امور حقوقی، نقش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نیز طرف مشورت واقع می‌شدند.
- ۴- نظام سیاسی و پارلمانی بلژیک در موضوعات مربوط به تدوین قانون اساسی مشروطه و اساسنامه مجلس مورد بهره برداری و استفاده ایرانیان قرار گرفته است.

۴-۱- اهمیت، ضرورت و کاربرد پژوهش

بخش درخور توجهی از مطالعات روابط خارجی و بین‌المللی ایران، بیشتر معطوف به روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و تاثیرگذار قرن نوزدهم یعنی انگلستان و روسیه و عثمانی بوده است. کتاب‌ها، تحقیقات و مطالب فراوانی درباره روابط ایران با این کشورها تالیف و ترجمه گردیده است و سایر کشورهای کوچک‌تر با حوزه‌ی قدرت محدودتر به رغم جایگاه خاصی که در مناسبات خارجی ایران داشتند، در

سایه‌ی تعاملات ایران با دولت‌های انگلستان، روسیه و عثمانی گرفته‌اند. کمبود اسناد و منابع موثق و بیگانه بودن با زبان‌های اروپائی (غیر انگلیسی)، نیز به عامل مهمی در بی‌توجهی پژوهشگرانی ایرانی نسبت به انجام پژوهش‌هایی در این زمینه تبدیل شده است.

بلژیک از جمله این کشورها است. این کشور به رغم وسعت جغرافیائی نه چندان زیاد، جایگاه ویژه‌ای در بسیاری از تحولات اروپا داشته و از قرن نوزدهم میلادی مرکز بسیاری از فعالیت‌های سیاسی، علمی، تجاری، آموزشی و تحقیقاتی بوده است. این کشور در قرن نوزدهم میلادی با حضور در قاره‌ی آفریقا توانست سرزمین کنگو که وسعتی بیش از ۸۰ برابر بلژیک را دارد، به مستعمره خود تبدیل کند و از جایگاه ویژه‌ای بین دولت‌های بزرگ اروپائی استعمارگر برخوردار شود. ورود به آسیا و تحولات ایران برای بلژیک فرصت بسیار مناسبی را فراهم کرد تا بتواند به جمع قدرت‌های مطرح آن روز وارد شده و در بسیاری از حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های اقتصادی و مالی که مورد علاقه‌ی این کشور بود، توانایی خود را محک بزند. ایران نیز علاوه بر تلاش برای حفظ موازنه قدرت بین تهران، لندن و پترزبورگ، می‌توانست از توانایی و جایگاه بلژیک برای ورود به مرحله جدیدی از مناسبات با اروپا و بهره‌مندی از مظاهر جدید تمدن غرب آشنا شود.

بررسی دقیق‌تر جزئیات روابط سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور که از طریق مکاتبات بین سفارتخانه‌های آنها با پایتخت‌هایشان قابل بررسی است و مقایسه این اطلاعات با دانسته‌های پیشین در عرصه روابط دوجانبه و بین‌المللی، پژوهشی کاربردی و زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های دیگری برای روشن‌تر شدن جنبه‌های گوناگون روابط ایران و بلژیک به شمار می‌رود که تا به حال مغفول مانده است. حاصل این پژوهش می‌تواند در جهت‌دهی و برنامه‌ریزی‌های آتی در روابط سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور، مورد استفاده قرار گیرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که با توجه به اهمیت و جایگاه خاص بلژیک در اروپا که ناشی از جایگاه ویژه‌ی بین‌المللی این کشور در مرکزیت و میزبانی از موسسات و نهادهای سیاسی و مالی جهانی است، حاصل این پژوهش می‌تواند در جهت‌دهی و برنامه‌ریزی‌های آتی در روابط بین دو کشور و به تبع آن با اتحادیه‌ی اروپا مورد استفاده قرار گیرد و در اختیار ادارات سیاسی غرب اروپا، معاونت سیاسی و بین‌المللی، اداره نهادهای اروپائی و معاونت کنسولی و تشریفات قرار گیرد.

۱-۵- روش پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات

این پژوهش تاریخی به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر استفاده از مطالعات اسنادی و روش کتابخانه‌ای، به بررسی و تحلیل تاریخ روابط دوجانبه ایران و بلژیک در دوران مورد بحث می‌پردازد. از روش‌های اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش اسنادی است که به بررسی اسناد منتشر نشده آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه و کتابخانه ملی ایران در خصوص موضوع مورد پژوهش می‌پردازد. با استفاده از روش کتابخانه‌ای نیز برخی کتاب‌ها به زبان فرانسه که جزو منابع دست اول این تحقیق محسوب می‌شوند و نیز برخی نسخ خطی فارسی بررسی می‌شود.

۱-۶- تعریف مفاهیم

روابط سیاسی: مناسبات سیاسی، دیپلماتیک، تبادل نمایندگان، ایجاد کنسولگری و سفارتخانه، انعقاد عهدنامه و عمل به مفاد آن را در بر دارد.

ایران: جغرافیای سیاسی ایران عصر قاجار (۱۹۲۴-۱۷۷۹ م. / ۱۳۴۲-۱۱۹۳ ق.) و مباحث، سیاسی و اقتصادی مرتبط با آن.

بلژیک: دولت مستقل بلژیک که از سال ۱۸۳۱ میلادی تشکیل شد و مناسبات رسمی آن با ایران عصر قاجار ده سال پس از تاسیس آن یعنی سال ۱۸۴۱ میلادی آغاز شد.

۱-۷- پیشینه پژوهش

در خصوص تاریخچه روابط ایران و بلژیک، اطلاعات، بیشتر به صورت پراکنده و در قالب تنها چند کتاب و مقاله منتشر گردیده است که محوریت آنها موضوعات مرتبط با حضور کارشناسان بلژیکی در بخش‌های گمرکات، مالیه و پست است. مهم‌ترین این آثار کتاب «مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران»، نوشته خانم آنت دستره و ترجمه دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) است که به سال ۱۳۶۳ منتشر شده است. همچنین کتاب «تاریخ گمرک ایران» به قلم مجید یکتائی در سال ۱۳۵۵ و کتاب «بلژیک» نوشته اسفندیار امیدبخش از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و کتاب «استقلال گمرکی ایران» و «کتاب سبز بلژیک» چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه اطلاعات کلی را در خصوص بلژیک و بخشی از مناسبات آن با ایران به دست می‌دهند. اما پژوهش مستقلی که در برگیرنده‌ی چگونگی آغاز مناسبات تاریخی و سیاسی بین دو کشور باشد، تا به حال منتشر نگردیده است. به طور کلی می‌توان گفت که در بسیاری از کتب تاریخ روابط خارجی ایران، اشاره‌ی مختصری به تاسیس روابط و امضای معاهدات شده است، اما با توجه به این که تمام اسناد موجود در این خصوص، بررسی نشده است، نمی‌توان این پژوهش‌ها را کامل و بدون نقص قلمداد کرد. چنان که سید مهدی پیراسته، نویسنده‌ی کتاب «بلژیک پایتخت اروپا و چگونگی اداره آن» که از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ سفیر ایران در بروکسل و لوکزامبورگ و رئیس هیات ایرانی در بازار مشترک اروپا بوده است، در این خصوص می‌نویسد:

«قبل از ترک ایران، برای کسب اطلاع از وضع کشورهای محل ماموریت به وزارت امور خارجه مراجعه کردم و انتظار داشتم که با اطلاعات جامع و مدونی راجع به این کشورها و نحوه روابطشان با ایران و کارهایی که شروع شده و ناتمام مانده و برنامه‌ای که سفارت شاهنشاهی باید تعقیب کند، دست یابم، ولی متأسفانه پس از چند هفته کاوش و مراجعه به ادارات مختلف، معلوم شد که چنین اطلاعاتی را شاید فقط با مطالعه پرونده‌های گوناگون که به تناسب در قسمت‌های مختلف بایگانی شده بتوان بدست آورد و مطالعه همه این پرونده‌ها مستلزم مدت‌ها صرف وقت است. به چند نفر که تصور می‌رفت در امور این کشورها صاحب نظر باشند مراجعه کردم ولی بالاخره مقصود، حاصل نشد. ناچار در مقام جستجو برآمدم تا شاید کتابی در این باره

در یکی از کتابخانه‌های خصوصی و عمومی ایران پیدا کنم اما در این مورد هم توفیقی حاصل نگشت یعنی یا کتابی تاکنون به زبان فارسی در این مورد نوشته نشده و یا آنقدر نادر و ناشناخته است که در هیچ یک از کتابخانه‌ها نسخه‌ای از آن وجود ندارد. ناگزیر با همان معلومات ناقص و اطلاعاتی که با مطالعه انتشارات سفارت بلژیک، کسب شده بود، در اوایل آذر همان سال رهسپار محل ماموریت شدم.»

بدین ترتیب، نقطه تمایز پژوهش حاضر با دیگر منابع فوق‌الذکر، اتکای آن به اسناد دست اول آرشیوهای اسنادی است و بر این اساس، مباحث جدیدی را در عرصه پژوهش در خصوص تاریخچه روابط ایران و بلژیک ارائه می‌کند.

۸-۱- معرفی منابع و مآخذ

منابع دست اول

۱- اسناد بایگانی‌های قدیمه و نمایندگی‌های وزارت خارجه و اسناد مکمل مربوط به سال‌های ۱۱۲۴ تا ۱۳۳۹ قمری

۲- مخزن الوقایع یا سفرنامه فرخ خان امین‌الدوله: این کتاب، ماموریت دیپلماتیک فرخ خان امین‌الملک کاشی، ایلچی کبیر ایران به عثمانی و اورپا در سال ۱۲۷۳ ق. و جریان انعقاد عهدنامه‌ی پاریس بین ایران و انگلیس و جدائی هرات از ایران را در بر دارد و حاوی نکات ارزشمندی در خصوص دیپلماسی و مذاکره با سفرا و مقامات اروپائی است.

۳- کتاب مکاتیب فرخ خان: این کتاب خطی که در مخزن نفایس کتابخانه ملی نگهداری می‌شود، حاوی سواد کلیه مکاتباتی است که بین هیات ایرانی و دربار و مقامات ایران در ماموریت امین‌الملک به عثمانی و اروپا رد و بدل شده است و شامل برخی مکاتبات محرمانه نیز می‌باشد.

4-Histoire des relations diplomatiques et historique des Pays-bas et dela Belgique avec la Perse depuis le XIV siècle jusqu'a nos jours. Par : leconte Alph.O Kelly de Galaway, Hommage de lauteur a S.M.I Nasser-Eddinschah de Perse.Bruxelles:1873.

کتاب «تاریخ روابط دیپلماتیک و تاریخی هلند و بلژیک با ایران از قرن چهارده میلادی تا به امروز» نوشته‌ی کنت آلف، او کلی دو گالاوی در سال ۱۸۷۳ میلادی در بروکسل منتشر شده و نویسنده، کتاب خود را به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است بخش دوم این کتاب مربوط به روابط ایران و بلژیک است و در این کتاب علاوه بر سفر امین‌الملک به بروکسل، اطلاعات جالبی در مورد نخستین تماس‌های دیپلماتیک بین دو کشور، به چشم می‌خورد.

5-Le Livre dor de l ordre de Leopold et dela croix de fer. Par:Fred. Veldekens. Bruxelles: 1858.

این کتاب که شاید ارزشمندترین کتاب مورد بررسی قرار گرفته شده به شمار می‌رود، «کتاب طلائی فرامین لئوپولد و صلیب آهنی» نوشته‌ی فرد ولدکن است که در سال ۱۸۵۸ میلادی در بروکسل در دو

جلد منتشر شده است. این کتاب با کیفیتی عالی و در تیراژ ۲۰۰ نسخه‌ای به چاپ رسیده و از سوی لئوپولد اول به بالاترین مقامات کشورهای مختلف از جمله ناصرالدین شاه قاجار، اهدا گردیده است. نسخه‌ی دو جلدی این کتاب نفیس در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

۶- ناسخ التواریخ سپهر: در این کتاب که مربوط به وقایع دوران سلاطین قاجار است، توضیحاتی درباره‌ی آغاز مراودات دیپلماتیک و انعقاد اولین عهدنامه مودت و تجارت بین ایران و بلژیک در دوره سلطنت محمد شاه قاجار ارائه شده است.

مطالعات

۱- تاریخ گمرک ایران: این کتاب که در سال ۱۳۵۵ به قلم مجید بقائی نوشته شده رویکردی تاریخی به سابقه تشکیل گمرکات در ایران از دوران باستان تا عصر حاضر دارد و بخشی از این کتاب به وضعیت گمرک در عصر قاجار و اداره آن به دست بلژیکی‌ها می‌پردازد.

۲- مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران: این کتاب که نوشته آنت دستره است، یکی از بهترین کتبی است که تاکنون درباره حضور بلژیکی‌ها در ایران و اداره گمرکات توسط آنها نوشته شده است.

۳- روابط بلژیک و ایران: نوشته آنت دستره، مدخلی است در دانشنامه‌ی ایرانیکا که به اختصار روند مناسبات را معرفی می‌کند.

۴- گنج شایگان: کتاب ارزشمند به قلم محمد علی جمالزاده، ضمن پرداختن به مباحث اقتصادی و تجارتي ایران عصر قاجار، به ارائه آمار و ارقامی قابل توجه پرداخته که در پژوهش حاضر مورد استفاده بوده است. این کتاب در سال ۱۳۳۶ منتشر شده است.

۵- اقتصاد ایران: اثر معروف چارلز عیسوی که این کتاب نیز در برگیرنده نکات جالبی از اقتصاد و تجارت ایران در عصر قاجار است.

۶- تاریخ استقرار مشروطیت در ایران: شامل گزارش‌های محرمانه رد و بدل شده بین سفارت انگلیس و وزارت خارجه این کشور در لندن می‌باشد و حاوی مطالب دست اول و جالبی در مورد تاریخ مشروطه و حضور بلژیکی‌ها در ایران است و بسیاری از کتب دیگری که در فهرست منابع و مآخذ به آنها اشاره شده است.

فصل دوم: جایگاه ایران و بلژیک در نظام بین‌الملل در سده ۱۳ ق. / ۱۹ م.

با تحولات نظام بین‌الملل در آغاز قرن نوزدهم میلادی با مرکزیت اروپا، جهان، شاهد دسته‌بندی‌ها و حوادثی بود که بسیاری از قلمروهای سیاسی موجود را تحت تاثیر قرار داد و از این رهگذر تعاریف جدیدی در حوزه‌ی روابط و حقوق بین‌الملل، به ادبیات سیاسی جهان راه یافت. در این میان ظهور بلژیک، برآیندی بود از کشمکش‌های بین‌المللی در اروپا بین قدرت‌های مطرح یعنی انگلیس، پروس، هلند و اتریش. مروری بر به تحولات جهانی و فضای حاکم بر روابط بین‌الملل، می‌تواند در درک شرایطی که به ایجاد و گسترش روابط بین دو کشور موثر بود کمک کند.

۲-۱- نگاهی به نظام بین‌الملل در اروپا و استقلال بلژیک در قرن نوزدهم

گذشته از دگرگونی‌هایی که تا پیش از استقلال در سال ۱۸۳۱ میلادی قلمروی فعلی بلژیک را در بر می‌گرفت، نگاهی به تغییرات نظام بین‌الملل در اوایل قرن مورد بحث، برای درک بهتر چگونگی تشکیل و استقلال این کشور می‌تواند مفید باشد. اروپای دهه‌های اول قرن نوزدهم میلادی، متأثر از کشورگشائی‌های استعمارگری تازه‌نفس به نام ناپلئون، امپراتور فرانسه بود که تمام اروپا را به وحشت انداخت و دولت‌های بزرگ آن روزگار را برای مقابله با آن همسو و هم جهت کرد. پس از شکست ناپلئون در جنگ واترلو (در خاک فعلی بلژیک) قدرت‌های فاتح یعنی چهار دولت انگلستان، اتریش، روسیه و پروس درصدد ایجاد ساز و کاری برای تقسیم و تصرف سرزمین‌های پس گرفته شده از فرانسه و حل مسائل بین‌المللی برآمدند که این امر به برگزاری کنگره وین منجر شد. برگزاری کنگره وین (۱۸۱۵-۱۸۱۴ میلادی) و دستاوردهای آن را می‌توان نقطه‌ی عطف این تغییرات و تحولات در اروپا و جهان در قرن نوزده دانست. ایجاد قواعد و مقررات جدید از سوی کشورهای ذی نفوذ و صاحب قدرت، حقوق بین‌الملل را سمت و سوی جدید داد و بر بسیاری از کشورهای این منطقه تاثیر گذاشت.

«هر یک از این چهار کشور با اشتباهی زیاد خود را به وین رسانده بودند تا نظریات خود را برای تامین منافع آتی خود به عنوان یک اصل بین‌المللی به جهانیان بقبولانند. انگلستان خواب توسعه و تحکیم برتری دریائی خود را می‌دید، خصوصاً که فتوحات امپراتوری بریتانیا در دوران

انقلاب فرانسه که به برکت افول قدرت اخیر حاصل شده بود، آن را بیش از پیش متوجه مستعمرات نموده بود و برآن بود بر متصرفات سایر قدرتهای دریایی مثل اسپانیا، پرتغال و هلند نیز دست یابد. همدستی بریتانیا با شورشیان مستعمرات متعلق به کشورهای یاد شده در همین راستا صورت می گرفت.» (نقیب زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۵)^۱

در واقع، انگلستان برای حاکمیت بلامنازع بر دریاها، درصدد اطمینان از بی طرفی فرانسه و روسیه بود. در دوران مورد بحث، فرانسه برای تجارت و روسیه برای نیل به اهداف خود در غلبه بر عثمانی و شرق، سد راه توسعه طلبی انگلستان بودند. نقشه‌ی انگلستان برای بی اثر کردن نفوذ این دو کشور این بود که در ازاء گرفتن کاپ (آفریقای جنوبی) و سیلان (سریلانکا) از هلند، بلژیک را که از فرانسه پس گرفته بودند به هلند واگذار شود تا بدین ترتیب، هم فرانسه تضعیف شود و هم هلند به فکر بازپس گرفتن مستعمرات خود نباشد. (همان، ۱۳۸۴، ص ۵۵) روند تحولات آتی نشان داد که این سیاست بیش از دو دهه دوام نیاورد و مسیر حوادث به گونه‌ای رقم خورد تا بلژیک به صورتی کشوری مستقل پا به عرصه ظهور گذارد.

«در مورد روسیه، (انگلستان) برآن بود که این کشور را از دست اندازی بیشتر به لهستان محروم و آن را در مقابل اتحاد اتریش و پروس قرار دهد و بر عکس دست دو کشور اخیر را در لهستان باز بگذارد. علاوه بر این برای کاهش نفوذ فرانسه در ایتالیا، انگلستان با سلطه اتریش بر این سرزمین، موافقت داشت و بالاخره در مورد اتحاد آلمان، نظر انگلستان این بود که ایجاد آلمان بزرگ به مصلحت صلح عمومی نیست بلکه صلاح در این است که شاهزاده‌نشین‌های آلمانی، تحت اداره مشترک پروس و اتریش قرار گیرند و کنفدراسیون ایالات آلمان تا سرحد ممکن، سست و نامنسجم باشد. در مجموع موضع گیری انگلستان در کنگره وین، حکایت از ضدیت با روسیه و فرانسه و تضعیف هلند و پرتغال یعنی ضدیت با تمامی قدرت‌های بالفعل و بالقوه دریائی می نمود.» (همان، ۱۳۸۴، ص ۵۵)

روسیه در مقابل، برخلاف انگلستان و اتریش مایل بود در ازای تلفاتی که در جنگ با ناپلئون متحمل شده است، دوک‌نشین ورشو را تصرف کند و سرانجام با زوال تدریجی عثمانی، نفوذ خود را در بالکان افزایش دهد. با توجه به این که بالکان از سرزمین‌های مورد نظر اتریش بود، این هدف مشترک زمینه‌ی اختلاف روسیه و اتریش را فراهم می کرد. (همان، ۱۳۸۴، ص ۵۶) روابط بین انگلیس و اتریش نیز در نوع خود جای تامل داشت. این دو دولت واجد منافع مشترک بودند و در مورد فرانسه، ایتالیا، لهستان و سوئیس، اتفاق نظر داشتند و تنها نقطه‌ی تمایز اهداف آنها، تعیین حدود قدرت و نفوذ پروس بود. در واقع، مترنخ مایل نبود پروس بر درسد^۲ مسلط شده و انحصار نفوذ اتریش در آلمان را از بین ببرند.

۱- نقیب زاده، احمد. ۱۳۸۴. تاریخ تحولات روابط بین الملل از وستفالی تا کنگره وین

(همان، ۱۳۸۴، ص ۵۵) تنها در مورد فرانسه بود که قدرت‌های اروپائی اتفاق نظر داشتند. تضعیف فرانسه و انزوای آن عامل وحدت بخش این کشورها به حساب می‌آمد.

سوی نتایج حاصله از کنفرانس وین و تقسیمات جدیدی که در قلمروی هر یک از کشورها شکل گرفت، چارچوب جدیدی بر اساس توازن قوا شکل گرفت که حاصل این توازن قوا، واکنش و عملکرد هماهنگ کشورها علیه هر کشوری بود که قصد داشت توافقات حاصله در کنگره‌ی وین را زیر پا بگذارد. این عملکرد مشترک به «کنسرت اروپا» موسوم شد. این همکاری و هماهنگی بین کشورها بارها در طول قرن نوزدهم میلادی اتفاق افتاد و یکی از نمونه‌های موفق در رابطه با کشور مورد بحث یعنی بلژیک صورت گرفت. یعنی در سال ۱۸۳۰ میلادی هنگام قیام مردم بلژیک علیه توسعه‌طلبی ارضی فرانسه که قصد داشت آن کشور را به خاک خود ضمیمه کند، دولت‌های بزرگ اروپا (انگلیس، روسیه، پروس و اتریش) برضد فرانسه واکنشی هماهنگ داشتند. بدین صورت که در جریان انقلاب ۱۸۳۰ میلادی، شورش‌هایی که از پاریس شروع شده بود، به سایر نقاط اروپا از جمله بروکسل سرایت کرد. این شورش در ۲۵ اوت ۱۸۳۰ میلادی در گرفت و پادشاهی هلند (پی‌بی‌با) را به دو قسمت (هلند و بلژیک) تقسیم کرد. این کشور - همانطور که پیشتر گفته شد - بر اساس تصمیمات اتخاذ شده در کنگره وین و بدون توجه به احساسات قومی و زبانی و مذهبی، از بلژیک و هلند امروزی تشکیل شده بود و بهانه‌ی تصمیم آنها این بود که در قرن شانزدهم میلادی، کشوری به این صورت وجود داشته است. در حالی که از قرن شانزدهم تا سال ۱۸۱۵ میلادی، تغییرات زیادی مناطق مختلف این سرزمین را از هم جدا می‌کرد. شورش ماه اوت و جوه افتراق را آشکارتر کرد و سرانجام نیز در سال ۱۸۳۱ میلادی به استقلال بلژیک از هلند منجر شد.

۲-۲- ایران عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ

در بازشناسی مناسبات خارجی ایران عصر قاجار از ابتدای تاسیس این سلسله تا شروع مناسبات ایران و بلژیک، یعنی دورانی شامل شش دهه، رخداد‌های شاخص را در دو دوره‌ی زمانی می‌توان مد نظر داشت، بدین ترتیب، بخش درخور توجهی از سه دهه در دوران مورد بحث، کشمکش با روسیه و سی سال بعد نیز به درگیری با انگلستان صرف شد.

«در واقع منازعه اخیر از سالی که عباس میرزای نایب‌السلطنه متوجه امنیت خراسان شد، آغاز گردید. لذا اگر جنگ‌های ایران و روسیه در سرحدات شمالی به عهدنامه ترکمنچای ختم شد و امتیازات ویژه‌ای را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و امتیازات ارضی برای دولت تزاری به ارمغان آورد، کشمکش‌های نظامی ایران و انگلستان بر سر هرات و افغانستان نیز سرانجام به عهدنامه مشابیهی (پاریس) منتهی شد و بر اساس آن امتیازات نسبتاً مشابهی به دولت بریتانیا واگذار گردید.»^۳ (علی صوفی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶)

۱- علی صوفی، علیرضا، ۱۳۸۹. نقش سیاست موازنه و نیروی سوم در تاریخ ایران. تهران: دانشگاه پیام نور

برخی شرایط ایران در نیمه‌ی قرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم میلادی، که جایگاه آن را در عرصه مناسبات بین‌الملل تحت تاثیر قرار می‌داد، بدین شرح ارائه بود:

- ۱- حضور ممالک اروپائی در منطقه به عنوان واقعیتی غیرقابل انکار.
- ۲- منابع ممالک که با منافع ایران سازگار نبود.
- ۳- ضعف ایران نسبت به ممالک اروپایی و فقدان قدرت برای درگیری.
- ۴- آسیب‌پذیری مرزهای شمالی ایران در مواجهه با روسیه به عنوان یک خطر دائمی.
- ۵- آسیب‌پذیری حوزه‌های آبی جنوبی به واسطه حضور انگلستان در منطقه.
- ۶- دوقطبی بودن ایران در حالی که که شرایط چند قطبی بر نظام بین‌المللی در این دوره حاکم بود.
- ۷- ضعف ایران رابطه متعادلی را با دو قدرت خارجی ایجاد می‌کرد.
- ۸- نفاق یا عدم توافق بین دو ابرقدرت، به نفع ایران و آشتی یا توافق بین آنها به ضرر ایران بود.
- ۹- هر نوع احتمال خطر برای بر هم خوردن تعادل قوا در اروپا با تجدیدنظر در روابط استعماری با ممالک غیراروپائی و از طریق معامله غیر اروپائی با یکدیگر دفع می‌شد.
- ۱۰- تا تعادل قوا در اروپا برقرار بود، موقعیت ایران بدین صورت باقی می‌ماند. اما با ظهور آلمان این تعادل به هم خورد. (صوفی، ۱۳۸۹۰: ۲۰-۲۱)

در آستانه رقابت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در قرن نوزدهم میلادی، فتحعلی شاه قاجار و دولتمردان ایران از تحولات اروپا و درگیری بین قدرت‌های بزرگ آن سامان بی‌خبر بودند و نمی‌دانستند حوادث چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر در اروپا چگونه قلمروی آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. فتحعلی شاه از سیاست نگاه به شرق سن پترزبورگ و تلاش روس‌ها برای تصرف خانات و حکومت‌های مسلمان آسیای مرکزی و به تبع آن تهدید کردن هندوستان انگلستان و رسیدن به آبهای گرم و ایجاد حکومتی مسیحی در قلمرو عثمانی خبر نداشت. صاحب‌منصبان قاجاری نمی‌دانستند که اهمیت تسلط بر کوه‌های قفقاز برای روس‌ها چقدر مهم است و این که هر کشوری که این ارتفاعات را در اختیار داشته باشد، می‌تواند بر دشت‌های پهناور روسیه مسلط گردد. شاه قاجار تنها پس از ملاقات با داوود خلیفه‌ی ارمنی کلیسای اچمیازین بود که اطلاعاتی از اوضاع و تحولات اروپا و قدرت روزافزون امپراتور فرانسه به نام ناپلئون، بدست آورد. پس از آن ایران تلاش کرد تا با اتحاد‌های یکسویه با انگلستان و فرانسه، نیروی سومی را برای شکست روس‌ها و بازپس گرفتن مناطق تحت تصرف آنها در قفقاز، وارد معرکه نماید، به علت مطلع نبودن از جریان‌ها و تحولات سریع در عرصه‌ی بین‌الملل، هر بار به ابزاری برای قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شد و تلاش‌های آن بی‌ثمر می‌ماند. شاه قاجار نمی‌توانست علل واقعی دشمنی‌ها و زد و بندهای این سه کشور را تشخیص دهد، با اندک تعارف و پیشکش یا تهدید، به سوی این کشورها جلب می‌شد.

«در جریان جنگ‌های دوره اول ایران و روس، دولتمردان ایران که در آغاز این مواجهه از دانش دیپلماسی بی‌بهره بودند، ساده لوحانه امید داشتند تا در مقابل تجاوزات ارضی روسیه به ایران، ضمن اتحاد با انگلستان و فرانسه از حمایت‌های نظامی این دو کشور، برخوردار شوند، اما این